



تحقیق پیرامون فولکلور

منطقه سهند

با مطالعه موردی برخی روستاهای شهرستان مراغه

هر ملتی برای خود دارای فرهنگ و تمدن خاصی می باشد که این فرهنگ از ویژگی های اصلی آن ملت محبوب می شود، ما آذربایجانی ها نیز دارای فرهنگ، آداب و رسوم مخصوص خودمان می باشیم که باید قدر آنرا بدانیم. زبان، تاریخ، فرهنگ، آداب و رسوم ما جزو اساسی ترین سرمایه های ملی مان می باشند که برای فرد- فردمان ضروری و لازم است. از این سرمایه های ملی که در حقیقت زندگی همه ما به نوعی به این ها وابسته است نگهداری نماییم و ارزش آنها را بدانیم.

درآمدی بر ادبیات فولکلور

یکی از شاخه های فرهنگ عامه یا «فولکلور (folklore)» ادب عامه یا ادب شفاهی است. به موجب تعریف سن ایو (saint yves)، فولکلور به مطالعه زندگی توده مردم در کشور های متمدن می پردازد. زیرا در مقابل ادبیات توده، فرهنگ رسمی و مکتوب وجود دارد. به این معنی که مواد فولکلور در نزد مللی یافت می شود که دارای دپوژش باشند، یکی مربوط به قشر تحصیل کرده، دیگری مربوط به توده مردم. مثلاً در هندوچین فولکلور وجود دارد، اما نزد قبایل وحشی آفریقا که نوشته و کتاب ندارند، فولکلور نیز وجود ندارد.

امروزه فولکلور توسعه گشتن آوری کرده است. ابتدا محققین فولکلور، فقط ادبیات عامه مانند قصه ها، افسانه ها، آوازها، ترانه ها و... را جستجو می کردند. کم کم تمام سنت هایی که به طور شفاهی (بیرون از مدرسه) آموخته می شود، جزو آن گردید. چون فرهنگ عامه (فولکلور) متعلق به عامه مردم است، ادبیات عامه نیز پیوندی عمیق

با واقعیت‌های اجتماعی دارد، و زندگی اجتماعی و فرهنگی، نش، اندیشه احساسات، و مذهب و اعتقادات هر جامعه را باز می‌نمایند. بنابراین ادبیات عامه، یکی از ابزارهای مطالعه در جوامع گذشته است.

ساختار ادبیات عامه بر دو اصل «واقع‌گرایی» و «خیال‌پردازی» استوار است، و محتوا و درونمای آن نیز اغلب برداشت‌ها و تلقی‌های ساده اقوام ابتدایی و روستایی است. نقش آموزشی ادب عامه را نیز نباید نادیده گرفت. چرا که تجربیات مفید و ارزنده را با اشکال گوناگون به نسل بعد منتقل می‌کند، موجب استحکام رفتارهای اجتماعی می‌شود و اصول اخلاقی را تحکیم می‌بخشد. ادب عامه که گنجینه‌ای برای ادبیات مکتوب محسوب می‌شود، نقش مهمی در دوام و پایداری فرهنگ قومی و استمرار آن در تاریخ دارد. (کتاب افسانه‌های بزقوش، نوشته‌ی میکائیل رسولزاده / نشر پینار - زنجان / 1387).

امید است این تحقیق کوچک مقدمه‌ای بر این باشد تا ادبیات فولکلور منطقه آذربایجان بهتر شناخته و معرفی شود. و در آینده شاهد تحقیقات مفصلی و جامعی راجع به فولکلور منطقه باشیم و بخش مهمی از تاریخ را می‌توان در لابه لای همین ادبیات فولکلور یک جست و جو نمود.

سعید ستارنژاد

زمتان 1392 شهرستان مراغه

saeidsattarnejad@yahoo.com

تحقیقی پیرامون فولکلور مردم منطقه سه‌هند

مطالعه موردی دین میترائیسم

سعید ستارنژاد*

چکیده

مهرپرستی از آیین های کهن ایران باستان است، که با نگاهی به نوشته های بازمانده از سانسکریت و متون اوستایی به ویژه بخش یشته ها، بشکوهی آن را در می یابیم. مهر پرستی پس از چندی از خاور زمین وارد آسیای صغیر می شود و از آنجا به وسیله سربازان اروپایی به سرزمین آنان راه پیدا می کند و تا قرن چهارم میلادی به حیات خود ادامه می دهد. با وجود گستردگی این آیین متاسفانه امروزه آثار زیادی از آن در دست رس نمی باشد و پایه ی بخشی از پژوهش های تاریخی امروزی بر مبنای ادبیات فولکلوریک استوار است.

از آنجا که فولکلور مردم جلوه های گوناگونی از داستان ها، تاریخ را در خود جای داده است که به نوعی می توان تاریخ شفاهی از آن یاد کرد، در این مقاله بر آن هستیم که بخشی از بازتاب های دین مهرپرستی را در فولکلور مردم سهند (مراغه) نشان دهیم.

کلید واژه ها

آیین مهرپرستی، فولکلور، منطقه سهند.

* دانش آموخته کارشناس باستان شناسی از دانشگاه محقق اردبیلی saeidsattarnejad@yahoo.com

مقدمه

از جمله ایزدانی که در ایران باستان به ستایش پرداخته شده، مهر یا میترا می باشد که این ایزد روزگاری بس فراتر از عصر زرتشتی مورد تقدس واقع شده بود. (رضی، 1381، ص 54). اهمیت مهر چنان بود که

دارای شهری جهانی می شود و در عصر حاضر تحقیقات ارزنده ای درباره ی زندگی و آیین او شده است. مهر در اوستا و کتیبه های هخامنشی میثر (Mithra) و در سانسکریت میترا (Mitra) آمده است. و در پهلوی میتر شده که امروزه مهر می گوئیم. (پورداوود، 1377، ص 492). این نام دارای معانی چون: عهد و پیمان، دوستی، خورشید بکار می رود. در ضمن نام هفتمین ماه سال نیز مهر است. پس از ظهور زرتشت، بنا بر آموزه های دینی او، ایزدان قبل از او به عنوان خدایان گمراه کننده یا دیوان یاد شدند، ولی مهر تقدس خود را حفظ نمود و وارد دین زرتشتی شد و در رتبه ی پایین تر از اهورامزدا قرار گرفت. اهمیت مهر در دین زرتشتی به حدی بود که یشت دهم اوستا بنام او اختصاص یافت، که به طور خلاصه چنین است: میثری دارنده ی میدان های فراخ را ستایش می کنیم. راست سخن است. چون به رزمگاه در آید، با هزار گوش خوب ساخته، ده هزار چشم بلند، پیرامون را جست و جو گر، نیرومند، بدون خواب؛ همیشه بیدار ... (رضی، 1381، ص 54-55). یا «در میان وفا شناسان، وفاشناس ترین؛ در میان دلیران، دلیرترین؛ در میان گشایش دهندگان، گشایش دهنده است. کسی که گله و رمه می دهد. کسی که زندگی بخشد. (پورداوود، 1377، ص 457). در گفتار اخیر به بخشنده گی و وفادار بودن به عهد و پیمان او پی می بریم. که می توان یاد آور ضرب المثل (آتابابا سؤزو) "کیشنین باشدا گدس، سؤزو گیدمز" باشد.

در کتیبه های باز مانده از شاهان هخامنشی مانند اردشیر دوم و سوم، نام مهر در کنار اهورامزدا و آناهیتا که الهه ی آب هاست قرار گرفته است. که در سنگ نوشته ای از اردشیر دوم چنین آمده است «به خواست اهورامزدا این هدیش (Hadish) را که آسایشگاهی است، من ساختم؛ بکند اهورامزدا، آناهیتا و میثرا و آنچه را من ساخته ام». (پورداوود، 1380، ص 116). دین مهر پرستی به خاطر جنگ هایی که میان دولت های اروپایی با نواحی آسیای صغیر در گرفت، سپاهیان رومی بیش از پیش با این دین آشنا شدند. مارتین ورمازرن (Vermaseren) در کتاب خود چنین بیان می کند: «...در آیین مهری یکی از مراحل که سالک باید از آن بگذرد، مرحله ی سربازی است... بنابراین اگر در میان لشکریان رومی در هر مقام و منصبی که بودند گاهی هم اصلاً شرقی بودند، علاقه ای به میترا احساس می شد، مایه ی تعجب نباید باشد. نزد همه ی کسانی که در زیر پرچم عقاب ارتش روم گرد می آمدند عقیده بر این جاری بود، که مورد حمایت میترا باشند. عوامل مهمی در انتشار دین مهری در رسمیت یافتن آن در نزد رومی ها بود. (ورمازرن، 1345، ص 47-48). مهرپرستی در اروپا حدود چهار قرن به حیات خود ادامه داد، این دین که پیش از ظهور مسیحیت در اروپا به روند خود ادامه می داد، با دین نو ظهور مسیحیت مواجه گردید. مسیحیان تازه به اروپا وارد شده، می بایست با یک اعتقاد بزرگ و آیینی که مورد پذیرش همگان بود، به مقابله بپردازند. پیروان این دو کیش چنان در این زمان به مقابله با یکدیگر پرداختند که گاهی پیروز و گاهی مغلوب هم می شدند. شهرت مهرپرستی به حدی بود که مورخ فرانسوی آقای رنان (Renan) در جمله ای چنین عنوان می کند: «اگر

علت و حادثه ای روی می داد، که ترقی دین مسیحیت را باز می داشت، هر آینه جهان از آن دین مهرپرستی بود». (پورداوود، 1377، ص 410).

آیین مسیحیت اگرچه مدتی پس از مهرپرستی در اروپا بر سر کار آمد، ولی از این دین تاثیرات زیادی را گرفت، که نوعی می توان گفت که مسیحیت اکثر آموزه هایش را از مهرپرستی به عاریت گرفته است. آموزه های از قبیل غسل تعمید، نوشابه ی مقدس (هوم)، نوازنده گی ای که مهرپرستان هنگام نیایش با زنگ مخصوصی به صدا در می آوردند که در مسیحیت تبدیل به ناقوس کلیساها شده است، و یا روز بیست و پنجم دسامبر (شب یلدا) را روز تولد میترا است به عیسی مسیح نسبت می دادند و حتی روز یکشنبه یا روز خورشید (Sunday) می باشد، به عنوان روز تعطیل خود قرار دادند. اگرچه این آیین با تمام گستردگی جهانی خود در هاله ای از ابهام باقی مانده است، که همین عامل باعث شده است که این دین میترایسم را به عنوان آیین فراموش شده ای یاد کنیم، ولی باید ردپای آن را در مشرق زمین در متون اوستایی و سانسکریت و فولکلور مردم جست و در مغرب زمین هم به آثار باستانی بر جای مانده با دید تازه ای نگریم و حتی در شناخت پاره ای از ابهامات، بهتر است از دین مسیحیت هم استمداد نمود.

تقدس و گستردگی این آیین به حدی بود، چنان که متذکر شدیم، در اوستا هم وارد گردیده و دامنه ی آن تا حدودی هم به ادبیات دوران اسلامی بویژه در اشعار شعرای عرفانی هم کشیده شده است. در اینجا بر آن هستیم که به بیان پاره ای از جلوه های این آیین بزرگ در فولکلور مردم منطقه بپردازیم:

جشن مهرگان

این جشن بزرگ که به مدت شش روز ادامه داشت، از روز شانزدهم مهرماه شروع می شد و تا بیست و یکم مهرماه ادامه می یافت. مهرگان روز فرخنده و خجسته ی غلبه خوبی بر ستم، صلح و آشتی و روزی است که زارع فداکار حاصل دسترنج خود را بر داشت می کرده است. از رسومات این آیین می توان به نوشیدن گیاه هوم، قربانی کردن گاو و فرستادن هدایا از طرف رعایا برای پادشاه بوده است. (آخته، 1385، ص 86). شبیه این جشن را در آداب و رسومات چنین روایت کرده اند: مردم بعد از فراغت از کار کشاورزی (خرمن) جهت شکرانه ی محصولاتی که بر داشت نمودند، قربانی (گوسفند یا گاو) را به چکان برده و در آنجا قربانی می کردند و شکرانه ی نعمت به جا می آوردند، و بعضی وقت ها این مراسم در خود روستا اجرا می شد که به اصطلاح به آن جشن خرمن می گفتند. در روزهای پاییز بعد از برداشت محصول مقداری از محصول برداشت شده را به ارباب می دادند. در دوره ی اسلامی جشن مهرگان به رغم سخت گیری های اعمال شده از جانب حکام به سختی جایگاه خود را حفظ کرد، اما در دوره ی مغول ها تا حدودی از رونق افتاد.

غسل

آب در میان ایرانیان باستان اهمیت وافری بر خور دار بود، تقدس آن به گونه ای است که الهه ی به نام آناهیتا را ایزد بانوی آب ها می دانستند، که یشت پنجم در ستایش این الهه است، که یکی از آداب مهر دینان شست و شویی بوده که به غسل تعمید مشهور بود که امروزه در مسیحیت اجرا می شود. به خاطر همین عامل شست و شو، مهردینیان، مهرباه های خود را در کنار رودخانه ای می ساختند، مانند معبد مهر ورجویی و بادامیار آذرشهر که در نزدیکی جوی های آب ساخته شده است. نکته ی جالب در این مورد نیز می توان به غارهای بخش سراجو اشاره کرد که همانند این معابد در نزدیکی آب ساخته شده اند. امروزه نیز می توان به اهمیت آب نزد مردم پی برد که در روز آخر هفته به غسل جمعه مشهور است یا در شب های عید مردم به از استحمام می پردازند و بعد لباس نو می پوشند.

چهار عنصر مقدس

علامت صلیب شکسته که به آن گردونه ی مهر، سواستیکا و یا گردونه خورشید گفته می شود. نخستین بار در خوزستان یافت شده است. هر شاخه ی گردونه ی خورشید نماد یکی از عناصر اربعه (آب، باد، خاک، آتش) بوده که مجموعاً با گردش و چرخش خود نظام طبیعت و ذات آفرینش را حفظ نموده و حرکت و تغییر و یا حیات و ممات را بوجود می آورند: همان طور که نمادهای آب، باد، خاک و آتش از نمادهای مهرپرستی به شمار می روند، نمادهای بصری عناصر اربعه در آئین مهرپرستی نمایانگر چهار عنصر ظرف (آب)، شیر (آتش)، مار (زمین) و پرنده کلاغ (هوا) هستند. (ستاری، 1372، 79).

نیاکان ما در مواجهه با شدیدترین شرایط سخت زندگی دریافته بودند که (آب، آتش، خاک، هوا) دارای اهمیت خاصی در زندگی شان است. و بنا به همین جهت با نزدیک شدن فصل بهار چهار هفته آخر فصل زمستان را به نام یکی از این چهار عنصر نامگذاری می کردند.

اولین هفته را بنام خبرچین چرشنبه سی (باد) نامگذاری کرده اند چون در این هفته باد با آمدن خود به زمین و طبیعت زندگی نوید بیداری میدهد (یئل) در یک مدت کوتاه تمامی زمین را پشت سر میگذارد و زمین را به بیداری فرا میخواند. دومین چهارشنبه سال نیز تحت عنوان قیه چرشنبه سی (خاک) نامگذاری شده است که با جذب گرما و حرارت بیدار میشود، سومین هفته را نیاکان ما تحت عنوان کول چرشنبه سی (آتش) نام نهاده اند که مظهر حرارت و نور و روشنایی است، هرچند بعضی ها به اشتباه کل را به کوتاه ترجمه می کنند. و آتش و نور و حرارت است که به طبیعت روح تازه می بخشد و به زمین حرارت میدهد نیاکان ما بر این باور بودند که هر قدر آتش و خورشید را مقدس بحساب آورند همان اندازه طبیعت زودتر بیدار میشود و به انسانها سعادت به ارمغان می آورد. بودن آتگاههای متعدد در سرزمین آذربایجان خود

شاهدی بر این ادعای ماست که آتش و خورشید دارای چه اهمیتی در میان ما بوده‌اند. آب مظهر و نماد حیات و تجدید زندگی است آخرین هفته را بنام‌آخر چارشنبه سی (آب) نامگذاری کرده اند بنا به اهمیت وجود آب(سو) در زندگی انسان که بعنوان مایه حیات انسان است و برفها و یخهای زمین آرام آرام ذوب میشوند این موضوع برای نیاکان ما از اهمیت و ارزش بسیاری برخوردار بود.

در آخرین چارشنبه سال (سو) با قدرت و نیرو و کمک (تورپاق) (اود) (یئل) جان میگیرد. نیاکان ما بیداری زمین را با مراسم‌های گوناگون با نغمه سرایی و آیین‌های متعدد جشن می‌گرفتند و پایان یافتن روزهای سخت زمستانی را به همدیگر تبریک می‌گفتند. و این چهار الهه دست در دست همدیگر با خواندن این شعر:

سو گلدی ها، اود گلدی ها، یئل گلدی

تزه عومور – تزه تاخیل ایل گلدی

دنیای روشنایی‌ها را به مردم به ارمغان می‌آورند و مردم نیز با دیدن این وضعیت به جشن و پایکوبی در طبیعت می‌پردازند و مراسم‌ها و آداب و رسوم پرشکوهی را به اجرا می‌گذارند. تا چند سال پیش در بیشتر روستاهای بخش در هر یک از چهارشنبه‌های ذکر شده مراسم گرفته می‌شد و در هر یک از آنها غروب روز سه شنبه آتش افروزی می‌شد. امروزه فقط در چهارشنبه‌ی آخر سال رسم آتش افروزی برپا می‌شود. این چهار هفته به عنوان نمادی از همان چهار عنصر مقدس محسوب می‌شود.

گاو کشی

یکی دیگر از مراسمات، مهرپرستان؛ قربانی کردن گاو بوده، از آنجا که میترا گاوی را در غاری ذبح کرده مهرپرستان به یاد بود آن در مراسمات شان گاوی را سر می‌بریدند.

گاو نر را صبح زود قبل از طلوع آفتاب شب چهارشنبه سوری مردم سراجو در میدانی باهم سرشاخشان می‌کنند که در کتاب مقدمه ای بر دده قورقورد از آقای سید سلامت چنین نقل می‌شود «...آفتاب اسیر شده به دست اهریمن قبل از بوجود آمدن انسان اول گاه چهارم، طی مبارزه ای رب النوع گاو با گاو اهریمنی هم‌آورد خود و فاتح شدن در برابر او، موفق به رهایش آفتاب می‌شود». (سیدسلامت، 1376، ص 246).

که این رسم را در منطقه ای سراجو بخصوص در شهر خداجو در زمان های قدیم اجرا می‌کردند که می‌توان چنین گفت که سرشاخ کردن دو گاو در نزد مردم منطقه احتمالاً ریشه در دوره ی باستان داشته است که سینه به سینه حفظ شده است و امروزه نزد مردم مفهوم آن مشخص نیست. و به نوعی بازی مبدل شده

است، همان طور که گاو بازی در کشور اسپانیا به یک نوع بازی تبدیل شده است و مردم اسپانیا را گاوباز(ماتادور) عنوان می کنند.

کلاغ

مهرپرستان به هفت مرحله اعتقاد داشتند، که باید پله به پله آنها را طی کنند تا آخر به مرتبه ی پیر برسند، که با لا ترین مرتبه ی مهرپرستی تلقی می شد. کلاغ؛ اولین مرحله از مراتب مهرپرستی است. پیام آور از جهان بالا می باشد. نوچه در هنگام مراسم نقاب کلاغ بر چهره می زده یا تقلید کلاغ می کرده است. علامت مخصوص او چوبی است که دو مار به دور آن چنبره زده اند. عنصر هوا عنصر مخصوص کلاغ بوده است. این مرحله مربوط به خدمه بوده و کسانی که تازه وارد بودند باید مدتی به عنوان خدمتکار مشغول می شدند. کلاغ از آنجا که پیام آور دین مهری است، امروزه در سخن، از کلاغ تحت عنوان پیام آور نیز یاد می شود. "قارقا سؤز گتیرندی"

نقش میتر

مردم در خانه ها و بعضی وقت ها در پشت بام ها شب چهارشنبه سوری نقش یک انسانی را می کشیدند و نام آن را " ننه " می گذاشتند، و اعتقاد بر آن بود که موجب خیر و برکت در زندگی و سال جدید می شود. امروزه می دانیم که در روزگاران قدیم کشاورزی مهم ترین درآمد مردم روستاها بوده است و این کشاورزی شدیداً به نور خورشید احتیاج داشت و از آنجا که مهر همان خورشید است شاید بتوان این نقش های کشیده شده در شب چهارشنبه سوری را با احتیاط بتوان گفت که به نقش مهر نزدیکتر باشد

ساری گلین:

ساری گلین به ترکی آذربایجانی (*Sarı galin*) به ارمنی (*Sari Aghjik*) یکی از تصنیف های فولکلور آذربایجان و ارمنستان است که در میان مردم قفقاز ، آذربایجان ، ارمنستان ، ایران و ترکیه متداول است (سایت ویکی پدیا).

ساری گلین اویونو، ان اسکی آیین، اویون مراسیم لردن بیری ساییلیر. سالور قازانین خانمانی نین ییغمالانما، بویوندا دئییلیر.

«شوکی ملیکین قوشونو، دون بوجاغیندان قازان بگین اوردوسونا گلدی- آلتون بان ائولرین کافرلر چاپدی لار،... بویو اوزون بورلا خاتون اسیر گئتدی. قازان بگین قاریجیق اولموش آناسی قره دوه بویوندا آسیلی گئتدی، خان قازانین اوغلو اوروز بگ، بوینو باغلی گئتدی.» (کیتاب دده قورقود «فرزانه»).

آلتون بان ائولر، ایشیق اولکه سینین «گونش»ین دن عبارتدیر، کی ملیک شوکلی الینده اسیر گئدیر. بو اسارت اوروز (اینک رب-و- النووو) ایله بیرگه ۱۶ ایل قده‌ری، زامان آپاریر. اون آلتی ایلدن سونرا، اوروز، گونش (یا سلجان خاتون- کی اسیر دوشموش گونش دن عبارتدیر و ملیک شوکلی نین قیزی آدلانیر) یاردیمی ایله، دوستقدان قاچیر و دوباره قایدید بیر قارا وحشی اینکله موباریزه‌یه داخل اولماقلا و غلبه چالماقلا، گونشی اسارتدن آزاد ائدیب، اؤز بوینوزلاری اوسته حمل ائدیب، قازان بگین یاردیمی ایله محلینده نصب ائدیرلر.

ساری گلین رقصی، اوروزون، قارا وحشی اینکله موباریزه‌یه داخل اولماقدان اؤنجه بو موباریزه‌نی عزیزله‌مک آیین، مراسیم ایفاسی‌دیر. فیگورجا، بیر قول باغلی، بیر قول آچیق، گؤز گونشده- «طلب»، «تمنا»، «شیدالیق»... ان یوکسک درجه‌ده، گؤستریلیر. او کس کی موباریزه‌یه داخل اولوب، اوره‌کدن، گونشه، ایشیغا، عاشیق‌دیر و بو عشق علویت، باشی اوجالیق، عدالت و دونیانی ایشیق طرفینه چاغیرماغا، دوغرو اولور. دئمه‌لی، sari، گونش‌دیر. دئمک، ساری گلین گونشین اهریمن الیندن آزاد اولما مراسیمی- آیینی ساییلیر (سید سلامت، میر علی). سایت <http://ishiq.net/?p=2817>.

ساری گلین : ساری گلین (*Sari galin*) از لحاظ لغوی در تورکی آذربایجانی یعنی عروس زرد یا عروس مو طلایی که در افسانه‌های آذربایجان اشاره به خورشید است. براساس افسانه، خورشید در سه هزارمین سال خلقت دزدیده میشود. تلاش برای آزادی خورشید و حسرت آن در موسیقی آذربایجانی ماتریالیزه شده است. برای ساری گلین در آذربایجان رقص زیبایی وجود دارد که حرکات آن حس تمنا و خواستن را در انسان زنده میکند. دستها به سمت آسمان باز میشود و با ملودی نرم ۳/۴ حرکات پا و دست انجام میشود

یافته‌های باستان‌شناختی در سال ۱۳۷۶ از منطقه سؤنگؤن در شهرستان ورزقان، استان آذربایجان شرقی، قدمت این رقص باستانی را به هزاره‌های قبل از میلاد می‌رساند. بنا به تفسیر محقق برجسته اساطیر و هنر آذربایجان، میرعلی سید سلامت، این رقص مراسم آزاد کردن خورشید از اسارت است (سید سلامت ۱۳۸۲). در تصویر این سنگ نگاره، انسانی در سمت چپ، دستی بر شانه به نشانه ایثار و اهریمنی در سمت راست خورشید اسیر را در دست دارد. رقص ساری گلین، رقص مبارزه برای رهایی خورشیدی است که اهریمن آن را به اسارت برده است. انسانی که برای رهایی آن آمده، چنان شیفته خورشید است که حاضر به فدای جان خویش در راه رهایی آن است. هنر آذربایجان در انواع خود این اندیشه رهایی بخشی به دیگری را بازنمود می‌سازد: هنر صخره‌ای با نگاره رقص ساری گلین، هنر موسیقی با آهنگ ساری گلین، هنر رقص با رقص ساری گلین، هنر گلیم بافی با طرح‌های خورشید اسیر. (اصغر ایزدی جیران) بنابراین می‌توان گفت هنر آذربایجان، هنر رهایی بخش است. آزادی نتیجه این هنر رهایی بخش است. آزادی ای که خود مبنای

کنش هنری است. ترانه ای مردمی که بر ساکنین منطقه آذربایجان تداعی گر هنر رهایی بخشی است که از ایثار به رهایی می انجامد.

اما در موسیقی هم میتوان از ساری گلین رد و پایی پیدا کرد. آهنگ و موسیقی ساری گلین سالهای سال سینه به سینه به ما رسیده و از تصنیف های فولکلور آذربایجان محسوب میشود. خوانندگان مشهوری این آهنگ و شعر را خوانده اند از جمله آنها می توان به قدیر روستم اوف ، آلیهان صمد اوف ، عالیم قاسیم اوف ، رشید بهبود اوف ، ماهسون کیرمیزی گول، پریسا ارسلانی و صفورا علیزاده اشاره کرد

(برگرفته از سایت <http://turkoglu.atspace.cc>)

نتیجه گیری

این بود گوشه های مهمی از آیین اسرار آمیز مهرپرستی در فولکلور مردم منطقه سهند، هر چند که در این مقاله به صورت خلاصه بیان شد ولی از آنجا که آثار زیادی از آیین مهرپرستی در آذربایجان باقی مانده است، بی شک در فولکلور مردم منطقه نیز باید شاهد ردپاهایی از این دین باشیم چرا که آداب و رسومات هر ملتی گویای بخشی از تاریخ آن ملت است، ملتی که در طول تاریخ حوادثی را تجربه کرده و سینه به سینه و در قالب داستان، ضرب المثل (آتا بابا سؤزلری) و یا در طی اجرای مراسمات سنتی به نمایش در می آورند. که یکی از این مراسمات، مراسم چهارشنبه سوری است که با توجه به عناصر موجود که در طی اجرای مراسم مشاهده می شود، قابل تعق می باشد که ما را رهنمون آیینی کهن به نام مهرپرستی می کند. که پیشینه ای کهن در مراغه دارد که مؤیدش معبد ورجویی می باشد. که از طرف محققین زیادی جزئی از معابد مهری قلمداد شده است.

منابع

- 1- آخته، ابوالقاسم، جشن ها و آیین های شادمانی در ایران، چ دوم، تهران، اطلاعات، 1385.

- 2- پورداوود، ابراهیم، آناهیتا، تصحیح میترا مهرآبادی، چ اول، تهران، افراسیاب، 1380.
- 3- پورداوود، ابراهیم، یشت ها، چ اول، تهران، اساطیر، 1377.
- 4- رضی، هاشم، آیین مهر، چ اول، تهران، بهجت، 1381.
- 5- ستاری، جلال، مدخلی بر رمز شناسی عرفانی، تهران، مرکز، 1372.
- 6- سیدسلامت، میرعلی، مقدمه ای بر بررسی کتاب دده قورقود، چ اول، تبریز، آشینا، 1376.
- 7- هیئت، دکتر جواد، ادبیات شفاهی آذربایجان، تهران، مجله ی وارلیق، 1368.
- 8- . ورمازرن مارتین، آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاده، تهران، دهخدا، 1345.
- 9- سایت ویکی پدیا و <http://turkoglu.atspace.cc>، <http://ishiq.net/?p=2817>

ساچین او جون، مؤرملر؛

کولو سولودرملر

ساری گلین

بوسودانه سوداير؟

سنى منه وئرمز لر

مُسلیم آمان، آمان

سارى گلین

پایان